

## درباره

**نگاهی به نمایش «کلفت‌ها»**

### آنان که بامرگ در بازی برنده شدند

**کسری بردبارمقدم:** همه حوزه‌ها در برابر نظریه مقاومت نشان می‌دهند. از دید بسیاری، نظریه‌به‌دور از کنش است. در حوزه‌ای مانند تئاتر هم که بسیار با کنش سروکار دارد، پیوسته به نظر می‌رسد که نظریه فعالیت‌ای است بیشتر ذهنی و نه‌تنها باری‌رسان نیست، بلکه تا حدی بازدارنده و محدودکننده هم هست، بنابراین تلاش این متن، متن‌ا حد توان، نه نقد اجرای «کلفت‌ها»ی علیرضا، بلکه روشن‌کردن پیوندهای موجود میان نظریه و کنش است. بنابراین این اجرا، تنها بهانه مناسبی است برای اشاره‌کردن به مباحث نظری موجود میان متن و‌اجرا که نهایتاً می‌خواهد به یک نکته مهم اشاره کند: «نظریه هم نوعی کنش است». ژنه زمانی گفته بود: «کسی که کلفت‌ها را روی صحنه می‌برد باید آن چیزی را به نمایش درآورد که هنگام نوشتن نمایش‌نامه در من بوده یا کمبودش در من حس شده است». اجرای علیرضا وفادار به متن ژنه است و بسیاری از ایده‌های اجرایی‌اش مانند انتخاب دو مرد برای ایفای نقش کلفت‌ها، تحت‌تأثیر دیدگاه‌های سارتر (که در مقدمه اکثر ترجمه‌های انجام‌شده از این متن آمده) است، اما به نظر می‌آید این گروه اجرایی در تلاش بوده‌اند تا سویه‌های هگلی-لاکائی متن را برجسته کنند و از مسائل اخلاق اگزیستانسیالیستی که در بسیاری از مواقع در کار موجه‌سازی سرکوب و بحران و کنارآمین با وضعیت بوده، دوری کنند. دراماتورژ اجرای رضا سرور، روی بحران‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی، تأکیدهای به‌روزرسانی‌شده‌ای انجام داده است. تأکید بر مصرف‌گرآبودن خانم در تعداد بسته‌های خرید لباس یا رفتن به تئاتر لاکچری، استفاده از قطعه موسیقی «آمریکا» از رامشتاین که مضمونی انتقادی در مورد تأثیرات فرهنگ ایالات متحده آمریکا بر مردم جهان دارد، به‌کارگیری اصطلاح اختلاس به‌جای دزدی برای اتهام آقا، از همین دست به‌روزرسانی‌ها و پیوندزن متن ژنه با وضعیت کنونی است. تکنولوژی دوربین هم به همین شکل. استفاده از دوربین گوشی برای نشان‌دادن اتفاقات روی صحنه و پخش صحنه، مانند نظارت دقیق روی اعمال خانم، تدارک دمنوش و… تمهیدی است که در نمایش‌های بسیاری استفاده شده، اما به دلیل سویه‌های جدلی متن کلفت‌ها مبتنی‌بر نقد زندگی بورژواسی، در اینجا ضمیمه قابل‌قبولی به اجرا اضافه شده است؛ ضمیمه‌ای که به پیوند میان سرمایه و نمایش و پارادوکس‌های



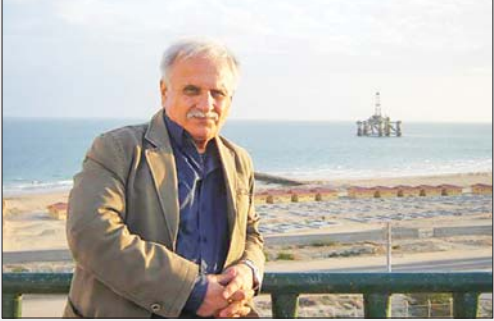
مخربی که در زندگی انسان ایجاد می‌کند اشاره دارد. همان‌گونه که کی دیویر در کتاب «جامعه نمایش» بیان می‌کند: «نمی‌توان نمایش و فعالیت واقعی اجتماعی را به‌طور انترآکسی در تقابل نهاد؛ نمایش که واقعیات را وارونه می‌کند خود به‌طور واقعی تولید می‌شود. در همین حال واقعیت زیست‌شده به طور مادی زیر هجوم نظاره نمایش است. واقعیت عینی حضوری دوسویه دارد. هر یک از مضامین تثبیت‌شده، بدین‌سان، بنیانی جز‌گذار به قطب مقابل خود ندارد؛ واقعیت از درون نمایش ظهور می‌کند، و نمایش واقعی است. این ازخودبیگانگی اساسی جامعه موجود است. در جهان واقعا واژگونه، حقیقی و اصل بره‌های از جعلی و بدل است». اما ذکر این نکته از همه مهم‌تر است؛ اینکه ایده اصلی و شالوده اجرا معطوف به نوعی مازاد است؛ مازادی که به زندگی ارزش می‌دهد؛ وقوف بر اینکه چیزی هست که به‌خاطر آن آدمی حاضر است زندگی خود را به خطر بیندازد. می‌توان این مازاد را در این اجرا «آزادی» نامید، اما نه خواست واقعی آزادی و مسئله از همین‌جا آغاز می‌شود. اینکه بسیاری از مواقع، آنچه در عمل انسان (در اینجا کلفت‌ها) رخ می‌دهد، پریش بنیادین فلسفی، سیاسی‌ای است که گناری و دولوز در ضدآپاد آن را بازکشف می‌کنند: «حتی سرکوب‌گرانه‌ترین و مرک‌بارترین شکل‌های بازتولید اجتماعی را میل تولید می‌کند. به همین دلیل همچنان باید به این مسئله پرداخت؛ چرا انسان‌ها مصرانه برای بردگی‌شان چنان‌که گویی برای رستگاری‌شان است مبارزه می‌کنند؟» و در ادامه این پرسش کافکایی به‌جا می‌ماند که آیا بسیاری از مبارزات، نمی‌توانند شکل دیگری از انقیاد باشند؟ این به معنای آن نیست که خواست آزادی و رهایی‌ا از بند ارباب، بی‌معناست، بلکه به این معناست که چگونه مبارزان، در سرکوب میل مشارکت دارند و آن را سرهم‌پندی می‌کنند. نباید این نکته مهم را فراموش کرد؛ اینکه نه‌کلرو نه سولائز، هیچ‌کدام را به مرگ خانم نیستند. وقفه‌یجادکردن‌های کلر در نوشیدن دمنوش توسط خانم و دادن خبر آزادی آقا از زندان توسط سولائز؛ گواهی محکمی بر این ادعاست. آنها مدام در فانتزی خود از زنجیرهایشان رها می‌شوند و حتی می‌توان گفت به کیف ناشی از این رهایی می‌رسند، اما در زندگی واقعی، نه توانایی رهایی دارند و نه حتی این رهایی پیوند کاملی با میلشان دارد.

**داده در صفحه ۱۳**

**شرق:** عباس عیدی، داستان‌نویس، درگذشت؛ شاید برایمان مثل بسیاری از مرگ‌های این‌چنینی زود و ناباورانه باشد، اما این مرگ در خانه همه را به نوبت می‌زند و این‌بار انگار نوبت یکی از نویسندگان ایرانی است که از ۵۰ سالگی به طور جدی ادبیات داستانی را در زندگی‌اش دنبال کرد. او با نخستین مجموعه داستانی‌اش، «قلعه‌ی پرتغالی‌ها»، به‌عنوان نامزد هشتمین دوره جایزه هوشنگ کلشیری معرفی شد.

از زیان عیدی بخوانیم: همان‌طور که پشت جلد کتاب‌هایم نوشته شده است؛ متولد سال ۱۳۳۱ آبادان هشتم و تا پایان تحصیلات دوره متوسطه در این شهر زندگی کردم. پس از آن به مدت ۱۰ سال در تهران بودم و سپس به اصفهان آمدم. از سال ۱۳۶۳ در جنوب کشور، به‌خصوص جزیره قشم، ساکن بوده‌ام و در آنجا به‌عنوان مسئول شیلات، اشتغال داشته‌ام. داستان به طور جدی از سال ۱۳۸۱ با زندگی من درآمیخت. از سال ۱۳۸۹ نیز علاقه‌مند به نوشتن در حوزه ادبیات

# عباس عیدی درگذشت



نوجوان شدم. مجموعه‌داستان «باید تو را پیدا کنم» بهار سال ۸۹ برای دریافت مجوز از سوی نشر چشمه ارائه شد، که بعد از گذشت شش ماه، مجوز گرفت و سال ۹۰ منتشر شد. یک داستان از ۱۴ داستانی را که

## شگفتی کارگردانان خارجی از تئاترهای کودک ایرانی



پول بلیت بدهند هم جذب شوند و این امکان را از دست ندهند. این کار از طریق تئاتر مدارس و همچنین فستیوال‌ها میسر می‌شود.

وی در ادامه افزود: نکته مهم دیگر، اهمیت به محیط زیست است. سؤال این است که چگونه کودکان را درگیر کنیم.

این هنرمند تئاتر ضمن اعلام این نکته که کار کمپانی آنها تولید تئاتر نیست، گفت: ما برای گروه‌ها امکان اجرای تئاتر ایجاد می‌کنیم، اما قصد داریم برای اولین‌بار پروژه مارتین لوترکینگ را آماده اجرا کنیم، چون سیاه‌پوستان هلند مهاجر هستند و به توجه نیاز دارند. در هلند اعتقاد عام بر این است که تئاتر و هنر به سفیدپوست‌ها تعلق دارد و کمتر به سیاه‌پوستان توجه می‌شود. در نتیجه فضایی به وجود آوردیم تا سیاه‌پوستان کار کنند و اولین نمایش‌نامه این پروژه هم توسط یک هنرمند هلندی سیاه‌پوست نوشته شده است.

او در ادامه افزود: به این فکر کردیم که به چه شکل می‌توان با ایران تبادل فرهنگی داشت. راه‌حلی که به ذهن ما رسید این بود که از یک هنرمند مطرح هلندی دعوت کنیم به ایران باید تا با هنرمندان ایرانی در کنار هم کار کنند و به یک اجرا برسند. امیدواریم مریم کاظمی سال بعد هم دبیر جشنواره باشد، چون بسیار فعال است و جشنواره را به‌خوبی سامان داده. امیدوارم کاظمی به هلند بیاید و آثار را ببیند تا بتوانیم این مشارکت را داشته باشیم و قدیمی‌ای سال‌های بعد برگزاریم.

در ادامه این هنرمند به اعلام تفاوت‌های تئاتر در ایران و هلند پرداخت و گفت: هر کشور فرهنگ تئاتری خاص خود را دارد. در هلند هدف هنر برای هنر است، اما در ایران مسائل اجتماعی در نمایش‌ها مطرح می‌شوند. در هلند بیشتر به فرم اجرا توجه می‌شود تا انتقال پیام.

**سرفوق‌العاده**

نمایش «سفر فوق‌العاده»، به کارگردانی دیمیتری نوموگنوو از کشور آلمان که توسط کمپانی چرخ پنجم در این دوره از جشنواره حضور دارد، در روز ۳۰ آبان و در روز یکم آذر در سه نوبت؛ ۱۵، ۱۰:۳۰ و ۱۷:۳۰ در کانون مهدیه روی صحنه رفت. الیزاوتا سالیئر، بازیگر این نمایش، درباره داستان کار گفت: «سفر فوق‌العاده» یک نمایش عروسکی و موزیکال است. ایده اصلی نمایش سفرکردن دور دنیا محسوب می‌شود. درواقع نمایش از تعداد زیادی بخش‌های موزیکال کوتاه تشکیل می‌شود که در کشتی سفید بزرگی که روی صحنه است، جریان دارند. هر بخش از کشتی، یک سرزمین جدید است. سالیئر ضمن اعلام این نکته که سرزمین‌های جدید خیالی نیستند، گفت: کشورهای هند، عربستان، یونان، آمریکا، فرانسه و… در این کشتی به نوبت نشان داده می‌شوند و مخاطبان با حرکات فولک مردم این کشورها با آنها آشنا می‌شوند. درواقع این نمایش درباره خوبی‌های سفرکردن در سراسر جهان است.

این هنرمند عرصه تئاتر-کودک در آلمان ضمن اعلام این نکته که درباره تاریخ ایران بسیار می‌داند، گفت: ما در مدارسمان درباره گذشته ایران بسیار

زیاد خوانده‌ایم و بسیاری از هنرمندان و تاریخ‌سایر جالب ایران را می‌شناسم. چندان با تئاتر ایران آشنا نیستم، اما مخاطبان تئاتر ایرانی را می‌شناسم! وی در ادامه افزود: ما بسیار سفر می‌کنیم و در بیشتر از ۳۰ کشور متفاوت و ۱۲۰ جشنواره تئاتر اجرا کرده‌ایم. درواقع ما بدون توقف سفر می‌کنیم و این نوع کارکردن برای ما بسیار جذاب است. دو سال قبل برای نخستین‌بار برای ایرانیان تئاتر اجرا کردیم و ما تجربه واقعا جذاب بود، چون مخاطبان بسیاری را همراه بودند و با شادمانی نمایش را دنبال می‌کردند. واقعا تجربه‌ای بزرگ بود. همان‌طور که می‌دانید، هر ملتی شرایط خاص خود را در همراه‌شدن با اثر هنری دارد و البته نمی‌توان هیچ‌کدام را نادجذب دانست. بلکه هر ملتی ری‌اکشنی متفاوت نشان می‌دهد! به‌عنوان مثال چینی‌ها بسیار درون‌گرا هستند، اسپانیایی‌ها و آرژانتینی‌ها به‌سرعت به آنچه احساس می‌کنند ری‌اکشن می‌دهند. ایتالیایی‌ها هم همین‌طور هستند.

الیزاوتا سالیئر ضمن اعلام این نکته که در این دوره از جشنواره تاکنون نمایش «اولیور توئیست»، به کارگردانی اسماعیل فیروزی را دیده است، درباره تأثیر تئاتر پداگوژیکی گفت: در ابتدا باید بگویم که چندان در زمینه تئاتر پداگوژیکی فعالیت نکرده‌ام، اما در گذشته و در بونوس‌آیرس در زندان و برای زندانیان و مجرمانی مانند قاتلان و دزدان بین ۱۷ تا ۲۴ سال تئاتر اجرا کردیم. واقعا باید بگویم که آدمی ترسیده بودم.

وی در ادامه افزود: پسران نوجوان شرایط بهتری داشتند. اما دختران واقعا وحشت‌آورد بودند، به‌طوری‌که حتی نمی‌خواهم درباره آن دختران فکر کنم و آن اتفاق را دوباره به یاد بیاورم، چون دختران از هر امید خالی بودند و هیچ چیز نمی‌توانست به آنها کمک کند. اما پسران مهربان‌تر بودند و با ذهنی بازتر با نمایش و آدم‌ها ارتباط برقرار می‌کردند.

او تئاتر «اولیور توئیست» را بسیار مفید ارزیابی کرد و گفت: تئاتر می‌تواند آموزشی متفاوت را به مخاطبان ارائه دهد و این مسئله برای نوجوانان زندانی از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. همان‌طور

که در پایان نمایش «اولیور توئیست» مطرح شد، واقعا معلمان بهتر می‌توانند سبب شوند این نوجوانان زندگی‌ای عادی داشته باشند و به‌سراغ جرم و جنایت نروند. فکر می‌کنم تئاتر پداگوژیکی اتفاقی بسیار خوب و بزرگ است و می‌تواند پسران را از شرایط وحشتناکی که گرفتار آن هستند نجات دهد. هرچیزی که بتواند به مردم کمک کند، اتفاقی بزرگ است و تئاتر اصولا برای همین منظور ظهور کرده است. در زندگی‌ام پسران هنرمندی را دیده‌ام که گذشته‌ای مجرمانه داشته‌اند و هنر رشد بسیار بزرگی در زندگی آنها پدید آورده و سبب شده است از آن فضا و شرایط خارج شوند. اما هیچ‌گاه دختری را ندیده‌ام که توانسته باشد از این فضا خارج شود و به همین دلیل حس می‌کنم جنایتکاران زن بسیار متفاوت هستند.

**نمایشی بی‌کلام از ایتالیا**

جوزپه سمراوو با نمایشی که ۱۲ سال در سراسر جهان اجرا شده است، به بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک‌ونوجوان با گذاشت. نمایش «داستان یک مرد و سایه او»، به

برای چاپ داده بودم، برداشت تا به مشکلی برنخور. ۱۰ داستان این مجموعه در سال‌های آخر دهه ۸۰ نوشته شده است. در این روایت‌ها شباهتی به داستان‌های «قلعه‌ی پرتغالی‌ها» وجود دارد؛ اما از جهاتی هم تفاوت دارند و هر داستان فضای خودش را دارد.

همچنین در همین سال داستان بلند این داستان‌نویس جنوبی به نام «شناگر» از سوی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان منتشر شد. این اثر نخستین داستان بلند عیدی است که به گفته او، ماجرای نوجوانی است که در جزیره‌ای از جزایر خلیج فارس زندگی می‌کند و خیلی شنا را دوست دارد، شناگر خوبی هم هست و اتفاق‌هایی که برای این نوجوان رخ می‌دهد، ماجراهای داستان را پیش می‌برد. پیش‌تر، رمان «ملوان نصف‌جهان» این نویسنده غیرقابل چاپ اعلام شده بود. همچنین مجموعه‌داستان «برنده‌های هلندی» به نوشته او در سال ۱۳۹۶ توسط نشر چشمه منتشر و راهی بازار نشر شد.

کارگردانی جوزپه سمراوو از کشور ایتالیا، چهارشنبه، سی‌ام آبان، در سه نوبت؛ ۱۵، ۱۰:۳۰ و ۱۷:۳۰ در سالن اصلی مجتمع فرهنگی و سینمایی شهید آوینی روی صحنه می‌رود. این نمایش که تولید کمپانی پرنسیپو آتیبو تئرو است به مدت ۵۵ دقیقه اجرا شد.

جوزپه سمراوو؛ نویسنده و کارگردان نمایش «داستان یک مرد و سایه او» درباره این نمایش، گفت: این نمایش بی‌کلام است و در فضایی ساده اجرا می‌شود البته در این کار از آوا و صداهای بدن همچون پاکوبیدن و… استفاده می‌شود. البته ما بخشی از نمایش را برای مخاطبان تعریف می‌کنیم. داستان نمایش درباره یک مرد تنهاست که در بخشی از زندگی‌اش مرگ را تجربه می‌کند.

وی در ادامه افزود: تم اصلی این نمایش که برای مخاطب نوجوان آماده شده است، با صداها و نورپردازی و حرکات فرم بازیگران به مخاطب منتقل می‌شود. درواقع ما با استفاده از شیوه‌های تئاتر فیزیکال با مخاطبان ارتباط برقرار می‌کنیم و همچنین در جریان نمایش با جابه‌جایی نقش‌های بازیگران، مخاطب در جریان داستان و فحوای اصلی نمایش قرار می‌گیرد.

سمراوو ضمن اعلام این نکته که «داستان یک مرد و سایه او» ۱۲ سال است که در کشورهای مختلف اجرا می‌شود، گفت: ما این اثر را در کشورهایمانند ترکیه، رومانی، بلغارستان، اسپانیا، فرانسه، آلمان، تونس، برزیل و… اجرا کرده‌ایم و مردم بسیار از این اثر خوششان آمده است. چون این نمایش ساده است، مردم بسیار خوب با اثر ارتباط برقرار می‌کنند. حتی با اینکه حرکاتمان ساده است، اثری جالب و تجربه‌ای جدید در اختیار مخاطب قرار می‌گیرد.

این کارگردان و نویسنده ایتالیایی ضمن اعلام این نکته که هنر ایران را از طریق سینما شناخته است، گفت: من آثاری مطرح از هنرمندانی مانند عباس کیارستمی و اصغر فرهادی را دیده‌ام. این مسئله نشان می‌دهد سینمای ایران قوی و پویاست. کارگردان نمایش «داستان یک مرد و سایه او» درباره آشنایی‌اش با جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک‌ونوجوان گفت: از طریق شبکه‌های اجتماعی با جشنواره تئاتر کودک‌ونوجوان آشنا شدم و بسیار در حضور در ایران و این جشنواره خوشحال هستم و امیدوارم مخاطبان بسیار زیادی برای دیدن نمایش ما به سالن بیایند و از این کار لذت ببرند.

**داستان چوبک**

نمایش «داستان چوبک» به کارگردانی امیل عسکراف از کشور جمهوری آذربایجان هزمان با بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک‌ونوجوان همدان اجرا می‌شود. در این نمایش زلزله‌ای در شهر رخ می‌دهد. وقتی حیوانات از این اتفاق خبردار می‌شوند، برای کمک‌کردن به مردم پیچراه، گرد هم می‌آیند. اما گرگ از کمک‌کردن به آدم‌ها امتناع می‌کند.

نمایش «داستان چوبک» کاری از کمپانی تئاتر نمایش محلی لانکاران کشور آذربایجان است که به مدت ۶۰ دقیقه اجرا می‌شود.

امین فرض آل‌آی،الا ورن بابای‌آف، صیاد علی‌آف، رشوف زینال‌آف، الکر گلی‌آو، نظامی گوربان‌آف و پروانا حسن آوآ بازیگران نمایش‌اند. آجدار آل نویسنده و امیل عسکراف کارگردان نمایش محسوب می‌شوند. امین فرض آل‌آی‌آف دستیار کارگردان و ایلهام بایرام‌آف طراح نور نمایش هستند. امیل فروز الدین اوغلو عسکراف در سال ۱۹۹۳ به دنیا آمد. او در سال ۲۰۱۷ از دانشگاه محلی فرهنگ و هنر جمهوری آذربایجان با موفقیت فارغ‌التحصیل شد و توانست نمایش «بله» نوشته داستایوفسکی را در جمهوری آذربایجان در تئاتر محلی نوجوانان روی صحنه ببرد. این هنرمند از سال ۲۰۱۷، نمایش‌های زیادی را به عنوان کارگردان در تئاتر نمایشی- محلی لانکاران روی صحنه برده است.

«ناینیان» نوشته م. مترلینگ، «بابائونل و جن و پری‌ها» نوشته امیل عسکراف، «کنشش» برگرفته از یک داستان ترساک، «دوستان هر میزمشکن» نوشته آجدار آل از جمله کارهای او محسوب می‌شوند.

بیست‌وپنجمین جشنواره بین‌المللی تئاتر کودک و نوجوان از ۲۸ آبان تا چهارم آذر به میزبانی شهر همدان برگزار می‌شود.

## زیر آسمان فیروزهای

### هویت ملی در «سرو زیر آب»

● **طیبه سیاوشی:** ۲۸ آبان‌ماه ۱۳۹۷، به همراه دکتر اختیاری، نماینده زرتشتیان در مجلس شورای اسلامی، در اکران خصوصی فیلم «سرو زیر آب»، به کارگردانی محمدعلی باشه‌آهنگر دعوت شدیم. سرو زیر آب، با مشارکت بنیاد سینمایی فارابی، حوزه هنری و شهرداری تهران ساخته شده است و با محوریت اقلیت‌های قومی- مذهبی، به دفاع مقدس ورود می‌کند. به همین دلیل در سی‌وششمین جشنواره فیلم فجر، عنوان «بهترین فیلم با نگاه ملی» را به خود اختصاص داده است. همچنین برنده‌شدن سمیرغ بلورین بهترین طراحی صحنه و بهترین فیلم‌برداری با شایستگی تمام به عوامل این فیلم تعلق گرفته است.

کارگردان فیلم، نگاه جالب و متفاوتی به سینمای دفاع مقدس داشته است و فیلم قبلی او نیز در همین ژانر قرار می‌گرفت، بنابراین با تجربه‌ای ارزنده وارد این ژانر شده و توانسته روایت متفاوتی از دفاع مقدس ارائه دهد، چراکه عمده فیلم‌های ژانر دفاع مقدس، به‌ندرت با زاویه داستانی این فیلم قرابت دارند.

نکته مهم درباره فیلم این است که اختلافات قومیت‌ها و مذاهب را در یک نقطه به هم پیوند می‌زند و آن نقطه، هویت ملی است. درواقع فیلم به معنای واقعی کلمه، یک فیلم «ملی» و متعلق به «ایران» است، بنابراین تأکید سرو زیر آب، تنها معطوف به مشارکت شیعیان- فارس‌ها در دفاع مقدس نیست و تمام شهدا و رزمندگان اقلیت‌های مذهبی- قومی را دربر می‌گیرد. انتخاب اسامی بازیگران و کثرت قومیت‌ها و مذاهب مختلف در فیلم، گویای این نکته است، بنابراین، هر مخاطب ایرانی با هر اعتقادی می‌تواند به تماشای فیلم بنشیند و از آن لذت ببرد. فیلم، قدمی رو به جلو برای ایران است و ایران را محدود به مذهب و قومیت خاصی نمی‌کند.

قاب‌های فیلم عمق زیادی دارند و فضای گسترده‌ای را به مخاطب نشان می‌دهند. با شروع فیلم، انتظار می‌رود که شاهد صحنه‌های تلخ و دردناکی باشیم، اما درعین حال، فیلم با جاذبیت، شیرینی و روانی ادامه می‌یابد و فیلم‌برداری ماهرانه، در تماشاکر ایجاد کشش می‌کند با تا میل و دقت فیلم را دنبال کند. انتهای شاعرانه فیلم نیز از دیگر نکات توجه‌برانگیز فیلم است.

امروزه و در شرایطی که سلیقه مخاطبان



سینما بیشتر معطوف به فیلم‌های پرستاره و کم‌دی است، توجه به چنین فیلم‌هایی درواقع کمک به ارتقای کیفیت سینمای ملی در ژانرهای مختلف است. بنابراین آمیدوارم استقبال خوبی، خصوصا در اقلیت‌های مذهبی و قومی، از این فیلم شود.

همان‌طور که دکتر اختیاری گفتند، پروژه ساخت این فیلم سه سال زمان برده است و بدون همکاری دستگاه‌های مختلف، ساخت چنین فیلمی ناممکن به نظر می‌رسیده. جا دارد که علاقه‌مندان به سینما توجه بیشتری به این فیلم داشته باشند و اکران عمومی فیلم با استقبال بالایی مواجه شود.

به‌عنوان یک رویداد هنری، نظر نمایندگان در کمیسیون فرهنگی را به این فیلم جلب کردم و با وجود تنگناهای اقتصادی تلاش می‌کنیم سینما، به‌ویژه بخش دفاع مقدس در بودجه سال ۹۸ بیشتر مورد توجه قرار گیرد.

### نشان انجمن کارگردانان سینمای مستند به ۳ فیلم رسید



● **نشان انجمن کارگردانان سینمای مستند** در چهل‌وهشتمین جشنواره رشد اهدا شد. انجمن کارگردانان سینمای مستند در راستای فعالیت‌های فرهنگی، جایزه نقدی و لوح افتخار را به فیلم‌های «جاده‌های برقی»، «یک دوسیه مسکوت» و «فصل باران‌های گرم» اهدا شد.

نشان انجمن کارگردانان سینمای مستند در چهل‌وهشتمین جشنواره رشد اهدا شد. انجمن کارگردانان سینمای مستند در راستای فعالیت‌های فرهنگی، جایزه نقدی و لوح افتخار را به فیلم‌های «جاده‌های برقی» به کارگردانی هایدمه مرادی و رزم‌آرا و «یک دوسیه مسکوت» به کارگردانی احسان عمادی اهدا کرد.

همچنین نشان و دیپلم افتخار به فیلم مستند «فصل بادهای گرم» به کارگردانی حسین ریگی رسید. چهل‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فیلم‌های علمی، آموزشی و تربیتی رشد از ۲۵ آبان تا ۲ آذر ۹۷ در دبیری وحید نیکخواه‌آزاد در سینما فلسطین تهران برگزار شد.